



نکته‌هایی باریک‌تر از مو برای تیم ملی فوتبال ایران

هیچ‌کس نمی‌تواند منکر پیروزی مقتدرانه، شیرین و غرورانگیز تیم ملی فوتبال ایران مقابل تیمی باشد...

جام جم آنلاین: هیچ‌کس نمی‌تواند منکر پیروزی مقتدرانه، شیرین و غرورانگیز تیم ملی فوتبال ایران مقابل تیمی باشد که حدود یک‌دهه قبل در منامه، ایران را از رسیدن به جام جهانی 2002 ژاپن - کره محروم کرد و با رفتار ننگین خود با پرچم عربستان در ورزشگاه دور افتخار زد. در آن زمان هم همه چیز برای صعود مقتدرانه ایران فراهم بود، اما معلوم نشد چه عامل یا عواملی آن مسابقه را به نفع بحرین و در نهایت به سود عربستان پایان داد.

شایع شده بود که بحرینی‌ها در محتوای خوراکی تیم ایران موادی ریخته‌اند که در زمان مسابقه بازیکنان ایرانی را از پا انداخته است. اما از شایعه‌ها که بگذریم و از بازی‌های ناجوانمردانه‌ای که در اغلب بازی‌های این تیم مقابل ایران انجام داده است کوتاه بیاییم، به هر حال آن واقعه در تاریخ برخوردهای ورزشی 2 کشور در مسیر جام جهانی ثبت شده است و با آن که در مجموع دیدارهای 2 تیم 6 پیروزی به نام ایران و 4 پیروزی به نام بحرین دیده می‌شود، ولی با یادآوری آخرین دیدار و آن شکست تلخ، مانع از آن می‌شد که این بار با خوشبینی به نتیجه کار نگریست.

از این جهت وقتی روز سه‌شنبه 6 بار دروازه تیم بحرین فرو ریخت و در تمامی 90 دقیقه بازی تیم ایران در زمین حریف خیمه زده بود و حتی یک‌بار دروازه‌اش تهدید نشد تیلور، سرمربی تیم درهم شکسته بحرین کاری جز اقرار به قدرت و برتری مسلم تیم ایران نداشت و اخراج یک‌بازیکن بحرینی و بازی 10 نفره تیمش را بهانه این شکست سنگین قرار نداد.

میروسلاو بلاژه‌ویچ، سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران که از قضا آن خاطره تلخ را به خاطر دارد و از آن شکست سهمی هم به نام او ثبت شده است و از سر تقدیر حالا دوباره در ایران تیم مس کرمان را رهبری می‌کند، از تماشاگران این دیدار بود و پیروزی قاطع و 6 بر صفر تیم ایران را ستود.

او می‌گوید: ««در خواب هم نمی‌دیدم تیم ایران با چنین نتیجه‌ای بحرین را از پای درآورد.» و سپس می‌افزاید: ««بحرین اگر با 11 بازیکن هم بازی می‌کرد محکوم به همان شکست سنگین بود.» و به حکم تجربه‌هایش تصریح می‌کند: ««بازی با تیم‌هایی که یک نفر کمتر دارند، بسیار سخت‌تر است. ایران خیلی عالی و حرفه‌ای بازی کرد و به آنچه استحقاقش را داشت، رسید.»

گفته‌های سرمربی مس کرمان و اظهارنظرهای تیلور، سرمربی تیم بحرین گواهی می‌دهند که در این برد پرگل هیچ حرف و حدیثی جز بازی خوب و یکدست و مقتدرانه تیم ایران و برتری مسلم شاگردان کارلوس کرش در کار نبود، اما اگر منصفانه این پیروزی شیرین را بررسی کنیم نکاتی ظریف هم در بر دارد که گرچه باریک‌تر از مو است، اما نباید از آنها به آسانی گذشت.

اخراج یک بازیکن بحرینی در همان دقیقه اول بازی گرچه بنابر تایید مربیان پرتجربه فوتبال نقش تاثیرگذاری در نتیجه نداشت، اما این سختگیری داور استرالیایی، بازیکنان بحرینی را وادار کرد تا از بازی خشن و خطاهای بازدارنده دست بردارند و اجازه دهند کرش و تیم ایران آنچه را می‌خواهند و می‌دانند پیاده کنند و به نتیجه دلخواه برسند.

این تدبیر داور مسابقه حتی به بازیکنان ایران جرات داد برخلاف عادت دیرین و یک رسم غلط در فوتبال ایران، پس از زدن گل اول، قانع و محتاط نشوند و همچنان چهره تهاجمی خود را حفظ کنند و در یک کلام با قدرت واقعی خود مقابله کنند. فاصله گل‌هایی که درون دروازه بحرینی‌ها جای گرفت (به تقریب هر 10 دقیقه یک گل) گواه دیگری است که نشان می‌دهد بحرینی‌ها هیچ‌گاه از زیر فشار دائمی و حملات مکرر ایران کمر راست نکرده و تهدیدکننده ظاهر نشده‌اند.

بی‌تردید بازی دوستانه ایران مقابل فلسطین که در غیبت چند بازیکن اصلی تیم انجام شد و نقش کلیدی علی کریمی در آن بازی که در برابر بحرین به دلیل مصدومیت به میدان نیامد، ممکن است تیلور، سرمربی بحرینی‌ها را در ارزیابی تیم ایران به اشتباه انداخته باشد بخصوص که مجتبی جباری، جایگزین علی کریمی، به حکم تکنیک خوبی که دارد، وظیفه‌اش را بخوبی انجام داد و علاوه بر گلی که در دقیقه 34 زد و روحیه تیم ایران را در ادامه بازی تهاجمی بالا برد سهم عمده‌ای در بازی روان تیمش داشت.

نکته: تیم ملی فوتبال ایران برای آن که دوباره سرآمد آسیا باشد راهی جز این ندارد که از بازی احساسی دست بردارد و هرچه بیشتر در جهت بازی منطقی، فکورانه و گروهی با انگیزه تهاجمی گام بردارد

شاید این پیروزی پرگل اجازه ندهد اشتباهاتی که اگرچه کوچک، در تیم ایران دیده می‌شد دیده شود و چون در روند این بازی یک طرفه تاثیرگذار نبودند قابل بخشش باشند. اما برای تیمی که می‌خواهد چون گذشته سرآمد فوتبال آسیا باشد و در مقابل قدرت‌های مسلم آسیا (ژاپن و کره جنوبی)، حتی استرالیا، کره شمالی و چین توان مبارزه و برتری پیدا کند صحیح نیست حرکاتی انجام دهد که در فوتبال حرفه‌ای ناپسند است و از چشم هیچ داوری پنهان نمی‌ماند.

اخطارهایی که به میداوودی، تیموریان و حیدری تعلق گرفت، در شرایطی که اراده بازی یک طرفه و تحمیلی به بحرین در اختیار تیم ایران بود به هیچ‌وجه مورد تایید نیست بخصوص که این خطاها و اخطارها از بازیکنانی بود که هر یک در پست خود ارزش کلیدی دارند و محرومیت آنها ممکن است در بازی‌های مهم‌تر زیانبار باشد.

یادمان نرود که چنین رفتارهای احساسی در بازی با کشورهای عربی، بارها به زیان ما تمام شده است و آنها را بر آن داشته است تا با حرکاتی مودبانه و ضد فوتبال به جنگ عصبی دامن زده و اجازه بازی سالم، صبورانه و فکورانه را ندهند.

از نکات دیگری که یادآوری‌اش لازم است حتی اگر کرش صلاح ندیده باشد پس از بازی آنها را یادآوری کرده باشد یکی هم میل به تکروی در بازیکنانی است که به یک‌سوم حریف نزدیک می‌شوند و احتمالاً در بازار پررونق گلزنی سهمی برای خود جستجو می‌کنند.

از خلعتبری که بازیکنی با تکنیک است یکی دوبار در موقعیتی حساس چنین تکروی بی‌موردی رخ داد و یارانش را از فرصت گل مسلم محروم کرد. زیاده‌روی او، میداوودی و حیدری در حفظ توپ می‌تواند مانع از بازی روان باشد و از سرعت و حرکت توپ بکاهد.

در تیم ایران تکیه بر ارسال‌های بلند توسط خسرو حیدری و بازی دائمی و یکسره از جناح راست در شرایطی که مدافعانی سرزن و دروازه‌بانی بلندپرواز از دروازه حریف نگهبانی می‌کنند چندان به سود تیم ایران نیست. حتی مقابل بحرین که دروازه‌بان نسبتاً ضعیفی داشت این حربه کاملاً کارساز نبود. مگر 2 بار که حیدری در جریان بازی با 2 ارسال کوتاه و سریع، انصاری‌فر و رضایی را صاحب گل‌های پنجم و ششم کرد.

اگر از ارزش‌های مسلم تیم کرش به پاسکاری با حوصله و تغییر آهنگ بازی و روحیه تهاجمی اشاره کنیم، اما در خط حمله هنوز کارهای ترکیبی و گل‌هایی که حاصل بازی فکورانه باشد؛ نمایان نیست و با آن که هیچ تردیدی بر 6 گل زده شده نداریم، اما وقتی از ضربه کرنر (گل‌های حسینی و عقیلی)، پرتاب اوت (گل جباری) و شوت دور (تیموریان) و 2 سانتر عالی از حیدری (گل‌های انصاری‌فر و رضایی) حاصل می‌شود باید پی برد که در بازی‌های سخت‌تر آینده با این امکان برای گل‌زدن، چند بار در مصاف با استرالیا، ژاپن و کره جنوبی پیش می‌آید؟

کلام آخر این که تیم ملی فوتبال ایران برای آن که دوباره سرآمد آسیا باشد، راهی جز این ندارد که از بازی احساسی دست بردارد و هرچه بیشتر در جهت بازی منطقی، فکورانه و گروهی با انگیزه تهاجمی گام بردارد و برای آن که چنین تدبیری جا بیفتد و ماندگار شود چاره‌ای نیست جز آموزش کلاسیک از سطوح پایه که امیدواریم با توصیه‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارلوس کرش زیربنایی شود.

پرویز زاهدی / جام‌جم